

یشت‌بوم

زندگی خصوصی هنرمندان

هر پیام ۵۵ تومان!

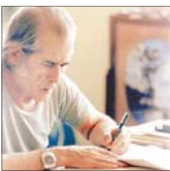


حسین عبد‌الهاشم‌پور

● اگر وایبر، فیس‌بوک و… خبر و شایعات آنچنانی منتشر می‌کنند و در محترمانه‌ترین شکلشان، هرروز بزرگی از جامعه فرهنگ و هنر را در فضای مجازی به خاک می‌سپارند، معلوم نیست این پیامک‌ها (SMS)‌ها را کجای دلم‌ان بگذاریم که گاهی با تیتَرهای اغواکننده به شما پیشنهاد می‌دهد: «زندگی خصوصی هنرمندان / هر پیام ۵۵ تومان»؛ البته برخی‌شان گران‌ترند مثلا ۷۵ تومان یا صد تومان که لایذ اطلاعات خصوصی‌تر را به ازای این مبالغ ارائه می‌کنند! دیگر فکر کنم کار در این وادی به جایی رسیده که هنرمندان یک خدایامرز جانانه به نشریات زرد دهکار باشند، که لایذ این روزگاران بازارشان به کسادی مفرطی گراییده است. تردیدی نیست که موج فزاینده رسانه‌های مجازی برای کشوری مانند ایران، موهبت است؛ از سال ۱۳۱۶ که میرزاصالح «کاغذ اخبار» را منتشر کرد، رسانه‌های دارای مجوز آن‌قدر درگیر بایدها و نبایدهای عجیب‌وغریبند که پاک اعتماد جامعه را از کف داده‌اند، تیرازه به نسبت جمعیت کشورمان گویای ناگفته‌هاست؛ وقتی از طنز تلویزیونی تا کاریکاتور یک نشریه چندصد نسخه‌ای و حتی یک نریشن چندثانیه‌ای یک فیلم، بهانه‌هایی بزرگ برای دلواپسی نسبت به اثر هنری می‌شود و رسانه‌های رسمی را به‌ناچار به خودسانسوری سوق می‌دهد، شاید آسیب‌های این رسانه‌های غیررسمی تلنگری به برخی بزند؛ شاید دست‌کم دوزاری‌ها را جا بیندازد که در فقدان فضای باز اطلاع‌رسانی و شفاف توسط رسانه‌های صاحب شناسنامه، چند صفحه بدون هویت در این عصر انفجار اطلاعات، می‌تواند آب را گل کند… حالا اگر شفاف‌سازی خطرقرم‌زا و دورشدن‌شان از سلیقه محوری غیرممکن است (!) کنترل این پیامک‌ها که ممکن است، نکته جامانده دیگر اینکه به تعبیر نویسنده، دنیای مجازی به اعتبار صراحت بیان افراد در ابراز عقیده‌شان اکنون واقعی‌تر و حتی جذاب‌تر از دنیای واقعی است؛ کاش این دنیای مجازی را مثل دنیای واقعی خراب نکنیم!

مضارب

انتشار فیلم کنفرانس‌های مرتضی حنانه



● پسر مرتضی حنانه از انتشار کنفرانس‌های پدرش در یوتیوب خبر داد. علی حنانه، پسر این آهنگ‌ساز و موسیقی‌دان، به ایسکانیوز گفت: «در سال ۱۳۵۸ کنفرانس‌هایی درخصوص موسیقی کشور برگزار شد. اینها شامل پنج کنفرانس بودند که در فرهنگسرای نیاوران برگزار می‌شدند.» حنانه ادامه داد: «این کنفرانس‌ها به همت زنده‌یاد فریدون ناصری برگزار شده بود. در این کنفرانس مرتضی حنانه به نقطه‌نظرات جدید خود که طی ۱۲، ۱۰ سال تحقیق داشت، اشاره کرده است. این کنفرانس‌ها شامل پنج کنفرانس و یک سمینار بود که متأسفانه امکان برگزاری سمینار فراهم نشد چون با جنگ ایران و عراق در سال ۶۰ تلاقی پیدا کرد. در این کنفرانس استادانی مثل مصطفی پورتراب، هوشنگ استوار، هرمز فرحی و بسیاری از هنرمندان موسیقی اصیل ایرانی حضور داشتند. این کنفرانس‌ها از نظر بار علمی بسیار خوب بودند بنابراین من این فیلم‌ها را از آتالوک به دیجیتال تبدیل کرده‌ام و تصمیم دارم در فضای یوتیوب منتشر کنم.» او در مورد نحوه انتشار این کنفرانس‌ها گفت: «تاکنون یک قسمت از این فیلم را منتشر کرده‌ام و تصمیم دارم پنج قسمت دیگر را به‌صورت سریالی در یوتیوب خود تحت عنوان «کنفرانس استاد مرتضی حنانه» منتشر کنم و در اختیار علاقه‌مندان قرار دهم».

شرق: فریبرز لاجینی تا پایان هفته از بیمارستان مرخص می‌شود. روز گذشته تصویری از لاجینی روی تخت بیمارستان با خبر کوتاه صدمه‌دیدن او در حادثه آتش‌سوزی در صفحات مجازی منتشر شد. پس از آن، خبرنگار «شرق» خبر را پیگیری کرد و مشخص شد این آهنگ‌ساز ایرانی به دلیل آتش‌سوزی تاکنون مورد سه جراحی قرار گرفته است، ولی خوشبختانه تا پایان هفته از بیمارستان مرخص می‌شود. فریبرز لاجینی، نوازنده پیانو و آهنگ‌ساز قطعاتی همچون «گل گلدون من»، «قلک چشات»، «ای وطن»

و «لالایی» روز گذشته، ۱۲ مرداد مورد سومین جراحی قرار گرفت. الناز یوسفی، دستیار او، در مورد آخرین وضعیت لاجینی به «شرق» گفت: «سومین جراحی نیز انجام شد. حال او خوب است و از نظر چشم‌ها و دست‌هایش دچار سلامتی کامل است. تا پایان هفته نیز از بیمارستان مرخص خواهد شد.» او همچنین گفت که آتش‌سوزی



آسیبی به دست‌های این نوازنده برای فعالیت در زمینه موسیقی نزده است. لاجینی روز جمعه در اثر انفجار گاز در خانه‌اش در تهران دچار سانحه آتش‌سوزی و به بیمارستان سوانح و سوختگی مطهری انتقال داده شد اما برای رسیدگی بهتر، به بیمارستان دیگری که از نظر امکانات پزشکی مجهزتر باشد، منتقل شد.فریبرز لاجینی متولد

وضعیت عمومی فریبرز لاجینی خوب است

آهنگ‌ساز «گل گلدون» در آتش

روایت داریوش مهرجویی از یک نمایش

«هامون بازها» تهی از «هامون»

زینب محسنی



محمد رحمانیان سال‌ها پیش می‌خواست «هامون بازها» را روی صحنه بیاورد و این اتفاق نیفتاد تا اینکه به‌تازگی این نمایش را با الهام از مستند مانی حقیقی درباره فیلم «هامون» داریوش مهرجویی بر صحنه تالاروحدت آورد. داریوش مهرجویی و دیگر عوامل «هامون» به تماشای این تئاتر نشستند و آن را در قیاس با اثر خودشان، ضعیف دانستند. داریوش مهرجویی، کارگردان «هامون» پس از تماشای نمایش، در مصاحبه‌ای نارضایتی‌اش از این اجرا را ابراز کرد و محمد رحمانیان پس از انتشار مصاحبه مهرجویی، در نامه‌ای از او عذرخواهی کرد. او نوشت: «آقای داریوش مهرجویی عزیز، متأسفم که نمایش «هامون بازها» را دوست نداشتید. در بقیه موارد هم حق با شماست. ما کوتاهی کردیم. امیدوارم عذرخواهی مرا ببپذیرید. «هامون» برای من همچنان یکی از دوست‌داشتنی‌ترین فیلم‌های جهان است…»، در ادامه، روایت داریوش مهرجویی از این نمایش را در فکت‌وگو با «شرق» خواهید خواند.

بله، ما درباره آن مستند کلی با هم حرف زده بودیم. مانی حقیقی واقعا کارگردانی توانمند و باهوش است. بعد از مستند «هامون‌بازها» هم یک کتاب راجع به من نوشت و مستندی درباره من ساخت و واقعا بر کارهای من اشراف دارد.

کا در مقایسه فیلم و تئاتر «هامون بازها»، اثر

آقای حقیقی را در مقایسه

با اثر آقای رحمانیان چطور می‌بینید؟

در تئاتر «هامون‌بازها»، چیزی که به‌شدت کم بود، رد پای فیلم «هامون» است. تماشاگر نباید بفهمد «هامون» چه بوده که عده‌ای شده‌اند «هامون‌باز»؟ باید چرایی هامون‌سازی شخصیت‌ها در این تئاتر نشان داده می‌شد. در طول نمایش خیلی کم به این مسئله ارجاع داده شد. انکار این تئاتر برای خواصی ساخته شده بود که وجبه‌وجبه سینمای ایران را می‌شناسند و خیلی بیگانه‌ه سینمای

ایران را دنبال کرده‌اند. درحالی‌که تماشاگر عادی با تماشای این تئاتر گیج می‌شود. لازم بود در این تئاتر، اول «هامون» به بیننده معرفی شود و بیننده دریابد که چرا این آدم‌ها جذب چنین فیلمی

سال ۱۳۲۸ است. او در دانشگاه سوربن پاریس تحصیل کرده است. او علاوه بر ساخت موسیقی فیلم‌ها، با هنرمندانی مانند سیمین غانم، محمد نوری و… نیز همکاری داشته است. لاجینی علاوه بر آهنگ‌سازی در عرصه موسیقی متن نزدیک به صد اثر در قالب فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی و خلق آلبوم‌های بسیار موفق پاییز طلایی، برای خوانندگان پاپ فراوانی هم ملودی ساخته است. مهم‌ترین کارهای زنده‌یاد محمد نوری از ساخته‌های فریبرز لاجینی هستند.

روایت داریوش مهرجویی از یک نمایش

«هامون بازها» تهی از «هامون»

زینب محسنی

در آن می‌بیند: سینمایی که برگردان زندگی آدمی است. بعد از اینکه «هامون» ساخته شد، خیلی‌ها به من گفتند تو این فیلم را از روی زندگی ما درست کردی! این فیلم درگیری‌های بنیادین بشر نظیر مسئله زناشویی و جدایی‌ای که بعد می‌گردد. این اضطراب و تشویشی در حمید هامون نهفته است هم از غم نان می‌آید و هم اینکه گرفتار مشتی ایده‌های خاص است که پامال شده‌اند، مردم ما به‌ویژه قشر دانشجو و روشنفکر را متاثر می‌کند. عباس میلانی پس از تماشای «هامون» به من گفت، من هم وقتی داشتم دوران جدایی از همسرم را تجربه می‌کردم، این تشویش و دلهره‌ای که در وجود نهفته بود را با رجوع به «ترس و لرز» کیر که‌گور التیام بخشیده بودم. یک هم‌زمانی و تصادف جالبی رخ داده

و آن هم اینکه من یک جای دنیا داشتم این فیلم را با چنین حال‌وهوایی می‌ ساختم و او همان وقت داشته در جایی دیگر، همین مسیر را طی می‌کرده است. خیلی‌ها بعد از تماشای این فیلم با من قهر کردند، ازجمله رضا برهانی که گفت تو این فیلم را از زندگی من برداشتی و همان وقت به فیلم شدیداً حمله کرد. درحالی‌که من اصلا از زندگی او باخبر نبودم. درواقع «هامون» حدیث نفسی بود که توانست در جامعه ما رسوخ کند و تعلیقی را نشان دهد که همه در حال تجربه‌کردن آن هستند؛

تعلیق ناشی از سرگردانی بین ایده‌های وسیع و آرمانی و واقعیت‌های زندگی روزمره و تضاد میان این دو. اینها مردم را در هر زمانه‌ای جذب می‌کند. این فیلم، بیست‌وچند سال پیش ساخته شده اما نسل جدید هم دل‌باخته این فیلم هستند.

کا خودتان راز این ماندگاری را چه می‌دانید؟

وقتی یک اثر هنری به بطن زندگی افراد رسوخ کند و دغدغه‌های اگزیستانسیال داشته باشد و وضع وجودی بشر را بیان کند، اثری خواهد شد مختص همه زمانه‌ها و ماندگار می‌شود. **ک**ا نسبت دغدغه‌های نسل جوان امروز را با دغدغه‌های نسل جوان دهه ۶۰ که نمونه‌اش حمید هامون بود، چه می‌دانید؟

کمابیش دغدغه‌ها یکی است. صرفا بستر تاریخی عوض شده است. مسائل زندگی اگزیستانسیال کم‌اکان همان چیزی است که در زندگی حمید هامون دیدیم. تجربه‌های او، تجربه‌هایی هستند که هرکسی در سال‌های عمرش پشت‌سر می‌گذارد. عشق و عاشقی و بعد جدایی و حرمان. تجربه‌ای انسان‌شمول است، فارغ از جغرافیا و زمان. اینها، تجربه‌هایی است که زمان و مکان نمی‌شناسد. دقیقا مثل آنچه «لیلا» برای تماشاگرانش داشت. «لیلا» طوری در زندگی تماشاگرش رسوخ می‌کند که تماشاچی حین

تماشای فیلم، فراموش می‌کند این یک فیلم است. همین‌طور «دایره مینا» و «سارا» و… این ویژگی آثاری است که دغدغه‌های وجودی و وضعیت بشری دارند.

چهار روز

جوانمرد «سال ثانیه» راستود



● شرق: نمایش «سال ثانیه»، به‌کارگردانی حمید پورآذری، میزبان عباس جوانمرد، کارگردان پیش‌کسوت تئاتر، بود. عباس جوانمرد پس از پایان اجرا در پشت‌صحنه نمایش حضور پیدا کرد و عملکرد بازیگران جوان و گمروه نمایش را مورد ستایش قرار داد. این کارگردان باسابقه تئاتر کشورمان در بخشی از سخنانش گفت: «معروف است که می‌گویند یک نمایش‌نامه خوب، نمایشی است که حرف آغوش را روی صحنه بزند. این حرف درستی است. به نظر من هرچه نمایش نوآورتر باشد، کار دست‌اندرکاران نمایش افزون‌تر و بهتر و متعالی‌تر است.» او در ادامه به یکی از خاطراتش درباره اجرای نمایش «آنکه گفت آری، آنکه گفت نه» اشاره کرد و گفت: «نمایش‌نامه‌ای مثل «آنکه گفت آری، آنکه گفت نه»، نوشته برتولت برشت، یک نمایش‌نامه نو است. من این نمایش را اینجا، در تهران اجرا کردم. در کانادا هم یک دوره کلاس یک‌ساله گذاشتم و بچه‌های کلاس هم این متن را کار کردند. همه دست‌اندرکاران نمایش، حتی کارگردان هم در طول همین یک سال دوره دید. این نمایش‌نامه در سه پرده اجرا شد، یعنی یک پرده اضافه شد. در تمرینات از حاضران پرسیدم که آیا با گفتن نه و برگشتن به شهر نمایش تمام است، گفتند: «نه». گفتم که باید روی همین کار کنیم. نتیجتا خود بچه‌ها پرده سومی به‌کار اضافه کردند، که پرده بسیار خوبی شد.» جوانمرد در مورد نمایش «سال ثانیه» گفت: «کارهای آقای پورآذری از نوآوری اشباع است و همض این نوآوری‌ها برای بازیگر و تماشاگر زمان می‌خواهد. این کار شروع بسیار خوبی دارد، منتها باید یک مقدار زمان بگذرد تا بیننده بتواند جزئیات کار را تحلیل کند، این تحلیل بسیار لازم است و بی‌جهت و بی‌تحلیل هم نمی‌توان نظر داد. کار را که نگاه کنید، می‌بینید که پر است از ایماز، پر است از اندیشه و فکر جدید، مخصوصا حضور پرتعداد بازیگران زن و بریده‌بریده حرف‌زدن‌ها و حرکات بسیار معنی‌دار را باید به هم پیوند داد. من فکر می‌کنم با یک‌بار دیدن، این کار عملی نیست.» جوانمرد سخنانش را با این عبارت به پایان برد: «تئاتر کامل وجود ندارد، اگر باشد، واویلاست. تمام اهمیت هنر این است که شما به آن مبدأ نرسید و نمی‌رسید. معنی عشق هم همین است، شما اگر به عشق برسید، دیگر عشق نیست، که آنجا بارگاه جدیدی است، اول عشق است و چه کسی است که بگوید تئاتر عشقی نیست؟ تئاتر اصل عشق است، چون هنر شعله جاویدان عشق است و به این دلیل ابدی است که شعله‌اش پایان نمی‌گیرد».

خبرسازان

مجری برنامه «هفت» تغییر کرد

● مدیر شبکه سه سیمای تغییر مجری برنامه سینمایی «هفت» و اجرا با رویکرد جدید این برنامه در آینده نزدیک خبر داد. غلامرضا محرجینی، مدیر شبکه سه سیمای، درباره آخرین جلسه تصمیم‌گیری برای برنامه سینمایی «هفت» گفت: در این جلسه برای اتاق فکر این برنامه سینمایی که جمع‌بندی می‌کند، افزود: در این جلسه برای انتخاب مجری هنوز به جمع‌بندی نرسیده‌ایم اما گزینه‌هایی از جمله چهره‌های قدیمی و همچنین شخصیت‌های جدید آشنا به سینما وجود دارند که هنوز نهایی نشده است. محرجینی با بیان اینکه شبکه سه سیمای درصدد بخش زودتر برنامه سینمایی «هفت» است، اضافه کرد: با برنامه‌ریزی انجام‌شده، ادامه این برنامه پرمخاطب سینمایی حداکثر تا ابتدای مهرماه سال جاری در همان ساعت بخش می‌شود و به‌صورت هفته‌ای یک‌بار روی آنتن شبکه سه سیمای می‌رود.

تماشاخانه

اجرای نمایش کوشک جلالی در آلمان

● علیرضا کوشک جلالی روز ۲۴ سپتامبر برابر با دوم مهرماه سال‌جاری، نمایش‌نامه «شمال‌شرقی» را در شهر کلن آلمان روی صحنه می‌برد. علیرضا کوشک جلالی، کارگردان تئاتر کشورمان، که سال‌هاست ساکن کشور آلمان است و نمایش‌های زیادی را نیز تاکنون در این کشور روی صحنه برده، قصد دارد روز ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۵، برابر با دوم مهرماه سال‌جاری نمایش‌نامه «شمال‌شرقی»، نوشته تورستن بوخشتاینر، را به زبان آلمانی در شهر کلن روی صحنه ببرد. این نمایش‌نامه که برنده جایزه «نمایش‌نامه‌نویسی الزه لسکر شولر» شده، بحران گروگان‌گیری در تئاتر مسکو در سال ۲۰۰۲ را از دید سه زن به تصویر می‌کشد. نمایش «شمال‌شرقی»، کاری از گروه تئاتر «علی جلالی آن‌سامبل» محسوب می‌شود که با کارگردانی و دراماتوزری علیرضا کوشک جلالی روی صحنه خواهد رفت.



نوازنده حرفه‌ای است و این موضوع اصلا بد نیست مثلا در لس‌آنجلس که من در آنجا زندگی می‌کنم، ۱۰ ارکستر حرفه‌ای وجود دارد که تقریبا هر دو هفته اجرا دارند. این در حالی است

شهرداد روحانی:

کمبود نوازنده داریم

شرق: شهرداد روحانی، تعداد نوازنده‌های ایرانی را در مقایسه با جمعیت کشور کم توصیف کرد و گفت اگر برخی از نوازندگان در چند ارکستر فعالیت می‌کنند، به دلیل کمبود نوازنده است. این نوازنده رهبر ارکستر در نشست رسانه‌ای که صبح دوشنبه ۱۲ مرداد در برج میلاد برگزار شد، گفت: «جمعیت کشور ما جوان است اما نسبت به این جمعیت، همچنان موزیسین حرفه‌ای کم داریم. من با نوازندگی نوازندگان در چند ارکستر موافقم چون نوازنده هرچه بیشتر کار کند، حرفه‌ای‌تر می‌شود. البته در کشورهای دیگر آن‌قدر نوازندگان حرفه‌ای زیاد هستند که اصلا به آنها نمی‌رسد که بخواهند در چند ارکستر ساز بزنند».

او سپس به کمبود نوازنده حرفه‌ای در ایران اشاره کرد: «اگر در ایران یک نوازنده در چند ارکستر ساز می‌زند، دلیلش کمبود